

شهریار بی حیب خود نمی کردی سفر...

استاد سید محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار در سال ۱۲۸۵ در روستای خشکتاب در بخش قره‌چمن آذربایجان در اطراف تبریز ...



استاد سید محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار در سال ۱۲۸۵ در روستای خشکتاب در بخش قره‌چمن آذربایجان در اطراف تبریز در خانواده‌ای مذهبی و مومن چشم به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی او در آغوش طبیعت و روستا سپری شد و شهریار خاطرات آن دوران را در به زیبایی در منظومه‌ها و ۱۷۱ قطعه شعر؛ حیدربابایه سلام و ۱۷۱ قطعه شعر؛ منعکس کرده است. ذوق و قریحه سرشار استاد از کودکی در اشعاری که می سرود نمایان بود، به طوری که از سیزده سالگی اشعار شهریار با تخلص بهجت در مجله ادب به چاپ میرسید.

شهریار پس از تحصیلات مقدماتی حوزوی به تهران رفت و وارد مدرسه دارالفنون گردید و سپس وارد مدرسه طب شد، ولی در پی حادثه‌ای پس از پنج سال تحصیل، بدون اخذ مدرک دکترا، تهران و دانشکده را ترک کرد و در خراسان وارد خدمت دولتی گردید. شهریار به حافظ ارادت خاصی داشت. وی ابتدا در اشعار خود بهجت تخلص می کرد اما در سال ۱۳۰۰ برای یافتن تخلصی جدید از فال حافظ وضو گرفت، نیت کرد و دوبار از دیوان حافظ تفأل زد که هر دو بار کلمه «شهریار» را مشاهده کرد و از این رو این تخلص را برای خود برگزید.

استاد شهریار از عاشقان و ارادتمندان اهل بیت (ع) بود و همین عشق و محبت در پاره‌ای از اشعار وی بخوبی نمایان است. شهریار بیش از بیست و هشت هزار بیت شعر به زبان فارسی و در حدود سه هزار بیت به زبان ترکی آذری سروده است. به یقین مشهورترین شعر استاد شهریار شعر «علی ای همای رحمت» است که در وصف مولای متقیان (ع) سروده که با داستان شگفتی همراه بوده است. آیت الله مرعشی نجفی (ره) شهریار را نمی شناخت و قبل از اینکه این شعر توسط شهریار منتشر شود و کسی از سرودن این اثر آگاهی یابد، در عالم رویا شهریار را دیده بود که این شعر را در مسجد کوفه در محضر امیرالمومنین (ع) قرائت می کند. ایشان پس از تحقیق و پرس و جو، بلافاصله شهریار را به قم نزد خویش دعوت می کند و وقتی شهریار به دیدار ایشان می رود، آیت الله مرعشی نجفی (ره) شعر علی ای همای رحمت را برای شهریار می خواند.

زمانی که شهریار شعری را که تاکنون برای کسی بازگو نکرده بود، از زبان اینکه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) می شنود، با تعجب نحوه اطلاع ایشان را از شعر جويا می شود و وقتی ماجرای خواب ایشان را می شنود، بسیار منقلب می گردد. آیت الله مرعشی نجفی فرمودند: «شهریار ۱۷۱ قطعه شعر را گفت، معلوم شد مقارن ساعتی که شهریار آخرین مصرع شعر خود را تمام کرده، من آن خواب را دیده ام.» ایشان چندین بار به دنبال نقل این خواب فرمودند: «شهریار ۱۷۱ قطعه شعر را تمام کرد، به شهریار الهام شده که توانسته است چنین غزلی به این مضامین عالی بسراید. البته خودش هم از فرزندان فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است و خوشا به حال شهریار که مورد توجه و عنایت جدش قرار گرفته است.»

از دیگر اشعار معروف استاد شهریار می توان به اشعار «آمدی جانم به قربانت» و «به فارسی و ۱۷۱ قطعه شعر؛ حیدر بابایه سلام» (به معنی سلام بر حیدر بابا) به ترکی آذربایجانی اشاره کرد که به اکثر زبان های دنیا ترجمه و چندین بار تجدید چاپ گردیده است. شهریار به شعر نو نیز گرایش داشت و اشعار معروف «مومیایی» و «ای وای مادرم» را در این سبک سروده است.

یکی از شعرهای معروف استاد شهریار نامه او در قالب شعر به انیشتین، فیزیکدان معروف آلمانی جهت گوشزد کردن خطرات بمب اتم برای انسان و طبیعت است. شعر «پیام به انیشتین» نشان دهنده هنر متعالی و روح نوع دوستی استاد شهریار است و می گویند وقتی انیشتین ترجمه این شعر زیبا و لبریز از احساسات را شنید، بی اختیار گریست و از حال رفت و پس از آن به یک مبارز طراز اول برای جلوگیری از توسعه و تولید سلاح اتمی شد.

شهرت شهریار فقط به مرزهای داخلی ایران محدود نمی شود، به طوری که اکنون در جماهیر ماورای قفقاز و آسیای مرکزی خیابان ها، سالن های نمایش، پارک ها و دیگر اماکن عمومی به نام شهریار نام گذاری می شوند و در حال حاضر منظومه حیدربابایه سلام در اکثر دانشگاه های جهان از جمله دانشگاه کلمبیا در ایالات متحده آمریکا مورد بحث رساله دکترا قرار گرفته است و برخی از موسیقیدانان همانند هاژاک آهنگساز معروف ارمنستان، آهنگ جالبی برای آن ساخته است.

شهریار از همان اوایل انقلاب اسلامی مسائل و اخبار نهضت مردم را پیگیری می کرد و به قیام مردم ایمان و باور قلبی داشت. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همچون مردم انقلابی ایران از پیروزی آن خوشحال و به آینده آن بسیار امیدوار بود. عشق و علاقه او به

معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) زبانزد اهل ادب بود و وی از امام به عنوان ناجی ملت یاد می کرد و اشعاری را نیز در مدح امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) سروده است.

مدتی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که با حمله ارتش رژیم بعثی عراق نبرد هشت ساله آغاز شد. استاد شهريار از اينکه کشور مورد تجاوز کشور بیگانه قرار گرفته بود بسیار ناراحت بود و به طور مداوم اخبار و حوادث جنگ تحمیلی را پیگیری می کرد و حتی گاهی با سرودن شعر به تقویت روحیه رزمندگان می پرداخت. در شهریور سال 1359 در بحبوحه جنگ، خبری به گوش استاد می رسد که او را بسیار متأثر می کند. شهريار مطلع می شود نوجوان غيور و با شهامتى به نام حسين فهميده به خود نارنجک بسته و خود را به زیر تانک دشمن انداخته تا آن را منهدم سازد. این حرکت حماسی و غیرتمندانه جنان در روح لطیف استاد تأثیر می گذارد که وی بلافاصله قلم به دست می گیرد و فی البداهه در حالی که اشک از چشمانش جاری بود، قطعه « سلام بر جنگجویان دلاور« را سرود.

استاد شهريار در روزهای آخر عمر به دلیل بیماری در بیمارستان مهر تهران بستری شد. زمانی که استاد در بیمارستان بستری بود آیت الله خامنه ای رییس جمهور وقت و هنرمندان نامداری چون مهدی اخوان ثالث، سیمین بهبهانی، مفتون امینی، فریدون مشیری و محمدرضا شفیعی کدکنی به عیادتش می آیند. سرانجام استاد شهريار در ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ به دیدار معبود شتافت و دو روز بعد بنا به وصیت خود در مقبره الشعرای تبریز مدفون گشت.

مقام معظم رهبری، در پیامی به مناسبت درگذشت استاد شهريار فرمودند: « شهريار شعر و ادب ایران درگذشت و بلبل داستان سرای غزل فارسی خاموشی گزید. بیش از نیم قرن، شهريار، ذهن و دل دوست داران ادبیات و هنر را با شعر خود و با صفا و خلوصی که از آن چلچراغ رنگارنگ می تراوید، نور باران می کرد و با زبانی که اگر نه زبان مادری او، اما زبان دل و روح و احساس او بود، به دل های شیدا، شور و حال می بخشید... درخشان ترین هنر شهريار آن است که وظیفه تاریخی خود را شناخت و با همه وجود و به کمال خلوص به آن عمل کرد.

با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی بیست و هفتم شهریور ماه سالروز درگذشت استاد شهريار " روز ملی شعر و ادب " نامیده شد.

شهريارا بی حبيب خود نمی کردی سفر این سفر راه قیامت میروی تنها چرا

روحش شاد